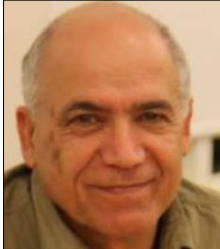


پیام حمید تقوایی بمناسبت روز جهانی کارگر
روز فراخوان علیه منجلاب سرمایه!

صفحه ۳



دو اعتراض مهم،
دو جنبش سیاسی متفاوت!

اصغر کریمی

صفحه ۴



طرح "یارانه هوشمند":
یک شکست همه جانبه

کازم نیکخواه

صفحه ۵



جنبش علیه اعدام
در ایران متشکل میشود

بهرام سروش

صفحه ۷



اول مه و
رزمایش "الی بیت المقدس"

بهرروز مهربادی

صفحه ۷

اول مه روز جهانی کارگر را به همه کارگران جهان و به همه کسانی که خواهان آزادی و برابری همه انسانها و برچیدن بساط استثمار هستند، تبریک می گوئیم

انترناسیونال

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۵۴

جمعه ۵ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲۵ آپریل ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

روز کارگر و چالش سرمایه داری اسلامیزه
در ایران!

در ضرورت سنگ اندازیهای جناح مخالف!
آپارتاید جنسی را باید عملا در هم شکست!

حق با ولی فقیه است!

احساس مردم و احساس رژیم!

صفحه ۶

تبلیغات توطئه گرانه
رژیم اسلامی علیه مینا احدی
و کمپین نجان ریحانه

صفحه ۱۰

درد بر زندانیان سیاسی بند ۳۵۰
زندان اوین و خانواده هایشان

صفحه ۹

از مبارزات کارگران کارخانه
آفتاب ارومیه حمایت کنیم!
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۹

اول ماه مه، روز جهانی کارگر: علیه فلاکت اقتصادی، علیه جمهوری اسلامی!

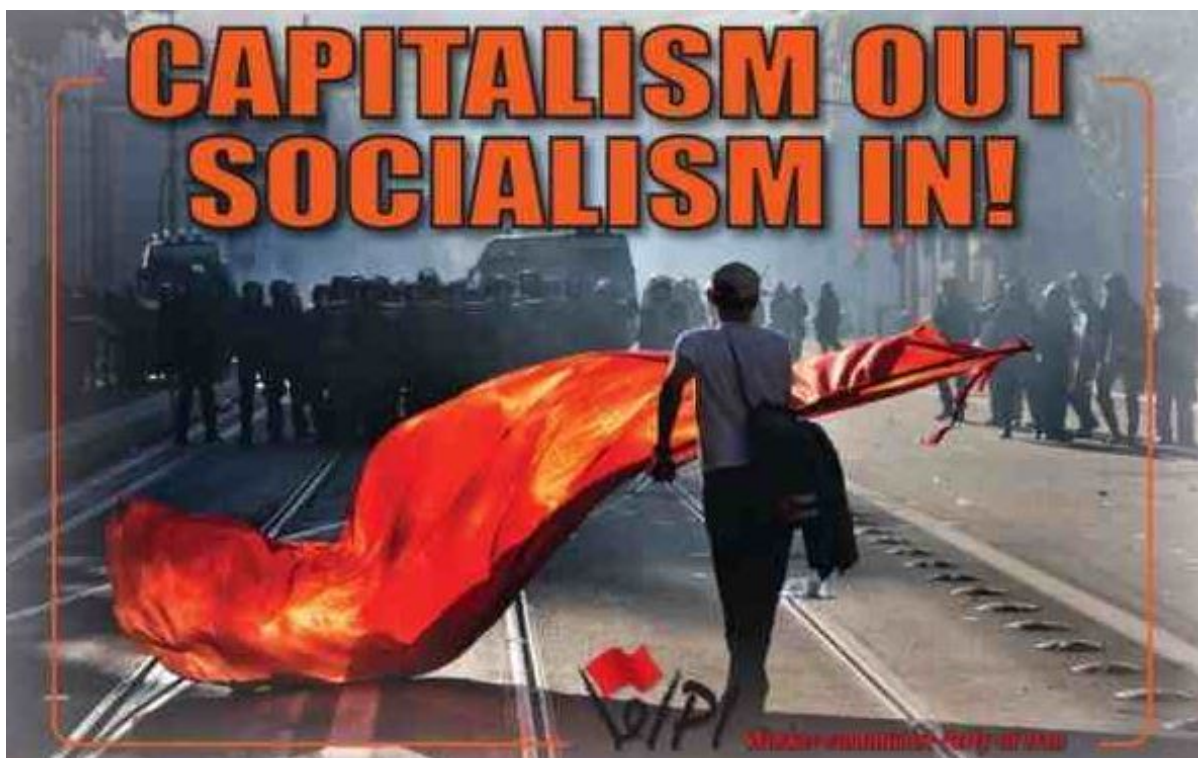
برای افزایش دستمزدها بیش از پیش متحد شد. قدرت اول مه این سنت دیرپای طبقه کارگر در جهان و ایران، در این است که میتواند گرایشات مختلف کارگری را در مقابله با سرمایه داری و شرایط مشقت باری که به بشریت تحمیل کرده متحد کند. باید از این توان وحدت بخش اول مه استفاده کرد و نه فقط بخش های هرچه وسیعتری از طبقه کارگر بلکه همه مردم آزاده و محروم را علیه جمهوری اسلامی و علیه فلاکت اقتصادی به میدان آورد. اول مه فرصتی است تا کارگران نشان دهند که پرچمدار مبارزه برای رهایی و آزادی خود و کل بشریت اند. اول مه روز برافراشتن پرچم سوسیالیسم و تاکید بر این واقعیت است که تنها راه رهایی بشریت معاصر از فقر و بیحقوقی و کل مصائبی که همه دنیا را فراگرفته درهم پیچیدن کل نظم غیر انسانی سرمایه و برپایی جامعه ای بدون ستم و استثمار، جامعه ای برابر و آزاد و مرفه، جامعه ای سوسیالیستی است.

زنده باد اول مه!
زنده باد سوسیالیسم!
زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری!
حزب کمونیست کارگری ایران
۳ اردیبهشت ۱۳۹۳، ۲۳ آوریل ۲۰۱۴

سخن گفت. اعلامیه و قطعنامه و کیفرخواست صادر کرد. نفس تجمع در هر سطحی و در کنار هم جشن گرفتن و راهپیمایی کردن، به همه ما مردم برای آینده ای بهتر نیرو میدهد. لیست عرصه های اعتراض و طرح مطالبات فوری اول مه در جمهوری اسلامی طولانی است. از مقابله با هوای کثیف و کشنده شهرها تا خشک شدن رودخانه ها و دریاچه ها و کمبود آب گرفته، تا مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و کارگران در بند، از مقابله با مجازات اعدام و کل سیستم وحشیانه قضایی اسلامی تا مقابله با حجاب و تبعیض جنسیتی، از خواست بهداشت و تحصیل رایگان و بیمه بیکاری گرفته تا حقوق کودک همه و همه عرصه هایی است که باید در آن سرمایه داری و جمهوری اسلامی را به چالش کشید. اما در اوضاع کنونی بی شک مقابله با قطع یارانه ها، افزایش سرسام آور قیمت ها، سقوط هر روزه قدرت خرید حقوق ها که جزو برنامه اعلام شده دولت روحانی است، عاجلترین عرصه ای است که باید از نیروی وحدت بخش اول مه روز جهانی کارگر برای تقویت آن بهره جست. اوضاع فلاکت بار اقتصادی که هیچ چشم اندازی برای بهبود آن متصور نیست اکنون مساله و مشغله روز و شب اکثریت عظیم مردم ایران است. در اول مه باید از زندگی قاطعانه به دفاع برخاست. بویژه باید

اول مه ۲۰۱۴، ۱۱ اردیبهشت ۱۳۹۳، در حالی میرسد که طبقه کارگر و اکثریت عظیم مردم فقیرتر و محروم تر شده اند. ریاضت کشی، زدن سر و ته دستمزد، قطع هرگونه خدمات و یارانه، بیکاری های وسیع و ایجاد جمعیت های عظیم هیچ بودگان و در یک کلام کاهش حداکثری سهم مردم کارگر از ثروتی که خود تولید میکنند، شعار روز سرمایه است. ولع سیری ناپذیر در جستجوی سود نه فقط نیروی خلاقه انسان که خاک و آب و هوا و نفس شرایط زندگی بر کره زمین را در خطر تباهی و نیستی قرار داده است. این حقیقت انکار ناپذیر سرمایه داری معاصر بیش از همه جا در ایران تحت حاکمیت آیت الله های میلیاردر صادق است. تناقضات و بن بست های ذاتی سرمایه داری اینجا ضربدر حکومت الله و ضرورت بقا مثنی گانگستر اسلامی میشود که به هیچ کس و هیچ چیز رحم نمی کنند. اول مه، روز جهانی کارگر در ایران روز اعتراض و اتحاد علیه این وضعیت و عامل بلافصل آن یعنی جمهوری اسلامی است.

اول مه روز ماست. روز نمایش اتحاد کارگران و همه مردم محروم علیه یک درصدی های بی خاصیت مفتخور! در این روز نباید در خانه بنشینیم. باید کار را تعطیل کرد و بیرون آمد. باید پا بیرون گذاشت. علیه وضع موجود





پیام حمید تقوائی بمناسبت روز جهانی کارگر روز فراخوان علیه منجلاب سرمایه!

اسلامی یکی از ارتجاعی ترین و ضد انسانی ترین حکومت‌های سرمایه داری در تاریخ معاصر ایران و جهان است، میتواند و باید آخرین آن نیز باشد.

روز جهانی کارگر، در ایران و در همه کشورها، روز فراخواندن توده عظیم مردم بزر پرچم طبقه کارگر است. اول مه روز امید سوسیالیسم، روز فراخوان سوسیالیسم، و روز "اعلام خطر" سوسیالیسم است!

نود و نه درصدیهای جهان! برای رهائی از منجلاب سرمایه داری بزر پرچم طبقه کارگر گرد آئید!

حمید تقوائی دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲ اردیبهشت ۱۳۹۳ - ۲۲
آوریل ۲۰۱۴

اعدامهای بیسابقه و سنگسار و شلاق و زندان و تعزیر و قصاص اسلامی خود را نشان میدهد. در مقابل این سرمایه داری اسلامیزه شده مبارزه مدام جریان داشته است. مبارزه در شکل جنبشهای اجتماعی علیه فقر و بی تامینی و دستمزدهای چند مرتبه زیر خط فقر، علیه بیحقوقی و فرودستی زن، علیه سلطه و دخالت مذهب در زندگی اجتماعی و خصوصی مردم، علیه آلودگی غیر قابل تحمل آب و هوا و محیط زیست، علیه اعدام و سنگسار و کل سیستم قضائی قرون وسطائی حاکم، و علیه کل حکومت جمهوری اسلامی!

جامعه به جهنم اسلامی سرمایه در ایران تسلیم نشده و تمکین نکرده است. جمهوری

نیمه فئودالی کشورها گذاشت. نظام سرمایه داری صریح و آشکار و بلاواسطه و بدون هیچ توجیه و بهانه ای مسئول مستقیم تمام رنجها و مصائب و قهقرای سیاسی- اجتماعی- اقتصادی است که زندگی میلیاردها انسان را در سراسر کره ارض در چنگال خود میفشارد.

در ایران حکومت "یک اقلیت محدود" سرمایه دار در شکل جمهوری اسلامی به چپاول و سرکوب جامعه مشغول است. دسترنج کارگران و منابع ثروت جامعه در حسابهای بانکی آیت الله ها، ریاضت کشی اقتصادی در قالب طرح یارانه ها، و دفاع و حفاظت از ثروت نجومی اقلیت ناچیز حاکم در برابر خطر شورش گرسنگان در شکل

"خطر" سوسیالیسم! آنچه در این نوع گزارشها نا گفته میماند این واقعیت است که ثروت انباشته شده در دست اقلیت مفتخور حاکم بر کشورها ثمره دسترنج توده عظیم کارگرانی است که هر روز بیشتر به زیر خط فقر رانده میشود، و کلید رهائی جامعه بشری از این شرایط نیز در دست همین طبقه است. تجربه تمامی انقلابات و جنبشهای اعتراضی معاصر، بویژه انقلابات منطقه در چند سال اخیر نشان میدهد که جامعه بدون نقد عمیق و ریشه ای وضع موجود از یک موضع کارگری، چپ و سوسیالیستی آزاد نخواهد شد.

سرمایه داری جهانی هیچ زمان مانند امروز چنین افسارگسیخته و بلامنازع بر کل جهان حاکم نبوده است و در عین حال هیچگاه مانند امروز چنین بحرانزده و بی افق و درمانده نبوده است! بیش از دو دهه است که سرمایه داری در شکل "ناب" و عریان سرمایه داری بازار آزاد بر جهان مسلط شده است و بجز فقر و فلاکت و بیحقوقی بیشتر برای کارگران و توده نود و نه درصدی مردم دنیا ثمری نداشته است. جنگها و کشتارها، بمیدان آمدن نیروهای سیاه مذهبی و قومی و برسرکار آمدن دیکتاتورهای فوق ارتجاعی نظیر جمهوری اسلامی، و تشدید و گسترش فقر و بی تامینی و بیحقوقی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در همه کشورها را دیگر نه میشود پهای جنگ سرد و رقابت بین دو قطب سرمایه داری دولتی و سرمایه داری بازار آزاد نوشت و نه بحساب عدم رشد صنعت و عقب ماندگیهای فئودالی و

منجلاب سرمایه داری همه دنیا را فرا گرفته است! سود و ثروت اندوزی يك اقلیت محدود و فقر و فلاکت فاحش اکثریت عظیم مردم کره ارض ابعاد بیسابقه ای یافته و شکاف بین کوه ثروت و دره فقر مدام رو به افزایش است. چند ماه قبل "موسسه خیریه و توسعه بین المللی آکسفام" در گزارشی با عنوان "در خدمت يك اقلیت محدود" اعلام کرد "امروزه ثروت ۸۵ نفر از ثروتمندترین افراد با دارایی ۵۰ درصد از جمعیت جهان برابر است". هم سنخان این چند ده نفر میلیاردرد، یک درصدیهای سرمایه دار، در ایران و در همه کشورها قدرت را در دست دارند و با ارتش و پلیس و دولت و قانون و زندان و اعدام (و در ایران مذهب و شلاق و سنگسار) از ثروت و قدرت خود پاسداری میکنند. در همین گزارش اعلام میشود "اقلیت صاحب قدرت اقتصادی توانسته است سیاستهای مورد نظر خود را در تمام کشورهای جهان تحمیل کند". محور این سیاستها تحمیل ریاضت کشی اقتصادی و تحمیل فقر و فلاکت و بی تامینی و بیحقوقی به اکثریت عظیم مردم دنیا است.

نهادهای "خیریه" و تحقیقاتی طبقه حاکم نظیر یونسکو و آکسفام و حتی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول بارها در مورد عواقب سیاسی اجتماعی این نابرابریها، در مورد بی ثباتی و ناآرامیهای سیاسی و اجتماعی و "خطر" شورش گرسنگان به دولتتها هشدار داده اند اما تنها راه رهائی جامعه جهانی از منجلاب حاضر همین "خطر" است.

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰۰ پولاتریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایانتان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است.
http://www.countmein-iran.com

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود انوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number : 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981
sort code: 60-24-23, account holder: WPI
, Bank: NatWest branch: Wood Green
81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345
NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتوانید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱
کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶
از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

دو اعتراض مهم، دو جنبش سیاسی متفاوت!

اصغر کریمی

دستگاه جنایت اسلامی و از بنیانگذاران شکنجه و اعدام و سپاه‌های حکومت، و روحانی رئیس دولت اسلامی دخیل بستند تا گناه را به گردن جناحی از حکومت بیندازند و کل حکومت را از زیر ضرب خارج کنند. در هر دو مورد حکومت را به مردم ترجیح دادند. از ابتدای روی کار آمدن روحانی نیز خاتمی رهبر این جنبش گفت که خواست های زیادی مطرح نکنید و روحانی را تحت فشار نگذارید و ملی اسلامی ها همچنان به این در پیوستگی ادامه میدهند. این دو مبارزه تفاوت عمیق این دو جنبش سیاسی را نیز به همگان نشان داد.

اینها بخشی از دستاوردها و درس های ارزشمند مبارزه در این دو عرصه است. راه هر دو مبارزه اکنون هموارتر شده و راه حل رادیکال که حزب کمونیست کارگری جلو جامعه قرار میدهد و شایستگی حزب برای انتخاب سیاسی مردم نیز خود را بیشتر نشان داده است. حزب کمونیست کارگری خواست های اساسی مردم را نمایندگی میکند و راههای مبارزاتی موثر مقابل مردم میگذارد و حکومت را در مقابل مردم سکه یک پول میکند. این پارامترها حقانیت بیشتری به حزب کمونیست کارگری میدهد و توان و ظرفیتش را برای رهبری مبارزه مردم برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ساختن جامعه ای انسانی نشان میدهد. مردم معترض و همه آنها که برای کوچکترین حقی مبارزه میکنند باید با اعتماد بنفس، مصمم و قاطع راه حل کمونیستی و حزب کمونیست کارگری را انتخاب کنند. این تنها راه خلاص شدن از کل قوانین و سنتها و جنایات جمهوری اسلامی و دستیابی به یک زندگی شایسته انسان است.*

همینجا درس ها و دستاوردهای گرانبهائی داشته است. اول اینکه، آگاهی مردم نسبت به سیستم قضائی جمهوری اسلامی و ماهیت ارتجاعی قوانین اسلامی جهشی به جلو کرد و شکنندگی رژیم برای مردم آشکارتر شد. مردم قوی تر و با اعتماد بنفس تر شدند، گوشه ای از توانائی خود را دیدند و حکومت و ارگانهایش به موضعی کاملاً دفاعی و البته غیر قابل دفاع افتادند و ضعیف تر شدند.

دوم، جنبش علیه اعدام گام بزرگی به جلو برداشت و مساله زندانی سیاسی ابعادی اجتماعی تر بخود گرفت و به وسط صحنه سیاسی جامعه عروج کرد.

و سوم تفاوت جنبش آزادیخواهانه و حق طلبانه با جنبش عقب مانده و «بی خاصیت» ملی اسلامی برای طیف وسیعتری از مردم و اکتیویست ها آشکار تر شد. کمپین نجات ریحانه یک کمپین گسترده است که فعالین بسیاری از گوشه و کنار جهان با نقطه نظرات متفاوت را در بر میگیرد. اما بوضوح صحنه رودررویی حزب کمونیست کارگری با جمهوری اسلامی است. ملی اسلامی ها ناراضی از این وضعیت، داستان قدیمی خود را سر دادند که سیاسی اش نکنید که برای ریحانه خطرناک است و تنها راه تمکین به قوانین قضائی و بخشش خانواده مقتول است و همراه با جماعت امام علی و همگام با حکومتیان علیه این کمپین به سم پاشی مشغول شدند. در مورد زندانیان سیاسی نیز ملی اسلامی ها با رادیکال تر شدن اعتراض زندانیان و خانواده هایشان و اوج گرفتن خواست آزادی فوری زندانیان سیاسی، برای عقب نماندن از قافله به رفسنجانی، یکی از سازندگان

دو واقعه در هفته های اخیر ماهیت سیستم قضائی جمهوری اسلامی را بیش از پیش در معرض دید و قضاوت همگان گذاشت. کمپین نجات ریحانه و حمله به زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین، در هر دو مورد این مبارزه و افشاکاری و آگاهگری و حضور مردم معترض و کمپین های سیاسی بود که جمهوری اسلامی را در تنگنا قرار داد، پرده ها را کنار زد و درهای پستوهای تنگ و تاریک دستگاه قضائی باز شد و ابعادی از این دستگاه عدالت! اسلامی را عریان مقابل مردم گذاشت.

در هر دو مورد مقامات قضائی حکومت در رسانه ها ظاهر شدند تا از موضعی زیون و دفاعی جواب مردم را بدهند و از سیستم زیر سوال رفته و بی آبروی قضائی شان دفاع کنند اما این سیستم چنان ضد انسانی و قرون وسطائی است و ابعاد جنایات ۳۵ ساله حکومت چنان گسترده است و به تن همه مردم خورده است که حتی در حجره های مدارس علمیه و در مساجد و اماکن مذهبی بسختی میتوان از آن دفاع کرد. اکنون هم کل پروسه محکومیت ریحانه زیر سوال رفته و آنرا لخت و عور مقابل مردم قرار داده و مقامات را در هچل انداخته است و هم مظلوم نمائی زندانبانان و دروغ های شاخدار اسلامی شان در مورد اینکه تلنگری هم به زندانیان بند ۳۵۰ زده نشده است مسخره عام و خاص شده است. مجبور شدند در اولین قدم رئیس سازمان زندان ها را برکنار و او را از جلو چشم مردم دور کنند.

مبارزه در هر دو مورد همچنان در جریان است و روز بروز ابعاد وسیعتر و رادیکال تری بخود میگیرد، و صرف نظر از اینکه این به چه نتایجی منجر شود تا

طرح "یارانه هوشمند": یک شکست همه جانبه

کاظم نیکخواه

چند ماه پیش یکی از نمایندگان "اصول‌گرای" مجلس اسلامی گفت: "ما باید صادقانه به مردم بگوییم اشتباه کردیم و طرح یارانه‌ها شکست خورد و معذرت می‌خواهیم". قطعاً تمام سران و دست‌اندرکاران حکومت اسلامی از همه جناحها آرزو می‌کنند که یک‌کاش به این سادگی بود و می‌توانستند همین غلطی را بگویند و عطای طرح "یارانه‌های هوشمند" را به لقایش ببخشند. اما همه میدانند که دیگر کار از کار گذشته است و این غیر ممکن است. یارانه‌ای که قرار بود "هوشمند" شود و "شوک مصرفی" به مردم وارد کند و بقول پورمحمدی اقتصاد را به "تعادل و ثبات" برساند، به یک نیروی کور تبدیل شده است که نه فقط بنیان دولت روحانی بلکه پایه کل حکومت را به لرزه در آورده است. مدتی نه چندان پیش یعنی سال ۸۹ بر سر این که چه کسی اول این طرح را مطرح کرده است دعوا بود. رفسنجانی چی‌ها می‌گفتند ما از اول این طرح را مطرح کردیم، دوم خردادها می‌گفتند این طرح ماست که احمدی نژاد بنام خود کرده است، و اصول‌گرایان هم آنرا به درایت شخص خامنه‌ای منتسب می‌کردند. اما امروز یارانه‌های هوشمند به طرحی یتیم و بی‌پدر و مادر تبدیل شده است که از دست اندرکاران حکومت هیچکس حاضر نیست مسئولیت آنرا به عهده بگیرد و تمام گناهایش به گردن باند احمدی نژاد انداخته میشود که با این طرح "زمین سوخته" و غیرقابل حکومت کردنی را تحویل دولت یازدهم داد و رفت. در واقع از نظر حکومتی‌ها طرح "یارانه‌های هوشمند" طرحی احمقانه بوده است که وبال

گردن حکومت شده است.

مساله اساسی اینست که این طرح کاری کرده است همه مردمی را که از گرانی و فقر و نداری مچاله شده بودند، مچاله‌تر کرد و به زیر یک چتر جمع نمود. با این طرح جمهوری اسلامی ۷۵ میلیون حقوق بگیر پیدا کرد که حاضر نیستند هم گرانی فزاینده ناشی از قطع یارانه‌ها را تحمل کنند و هم از یارانه نقدی ماهانه کوتاه بیایند. تازه خواست بحق مردم اینست که یارانه نقدی به نسبت تورم افزایش یابد. بعد از یک کمپین گسترده برای تشویق مردم برای انصراف از گرفتن یارانه نقدی و ریش‌گرو گذاشتن خامنه‌ای و روحانی و تمام آخوندهای بالای حکومت و روضه و تعزیه و تهدید، اکنون معلوم شده است که بیشتر از ۷۳ میلیون نفر نه فقط انصراف نداده اند بلکه اعلام کرده اند که کوتاه نمی‌آیند. آن دو میلیون و خرده‌ای هم که نامشان در لیست نیست اکثراً افرادی هستند که در خارج کشور بسر می‌برند و حق گرفتن یارانه نقدی از آنها گرفته شده است. بخشی هم افراد و خانواده‌هایی هستند که به دلایل مختلف از جمله زندگی در مناطق دور افتاده، اطلاعات لازم به آنها نرسیده است یا امکان ثبت نام تاکنون پیدا نکرده اند. چند در صدی هم قطعاً آمار را دست کاری کرده اند تا بتوانند صورت خود را سرخ نگه دارند و افتضاح شکستشان را بپوشانند. برای اکثر مردم همین دو بیست سیصد هزار تومان یک مبلغ مهم و حیاتی است که بالاخره بخشی از قبض برق و آب را میشود با آن پرداخت کرد. ولی حتی آن یکی دو درصد ثروتمندترها هم که نیازی به این پول چندرغاز ندارند، حاضر نیستند بسادگی

دست از آن بردارند. و همین‌ها که بیشتر صدایشان شنیده میشود باعث میشوند که مردم هم جرات بیشتری پیدا کنند که اعتراض کنند. طی یکی دو ماه اخیر در رابطه یارانه‌ها فضای جامعه کاملاً اعتراضی است و مردم بشدت عصبانی هستند که حکومت دارد تلاش میکند یارانه‌ها را بعد از اینهمه گرانی فزاینده قطع کند. مردم حق دارند بپرسند چرا وقتی که قیمتها هرروز بالا میرود و عملاً قدرت خرید و درآمد آنها بسیار کاهش می‌یابد، کسی کنکاشی در حسابهای بانکی و درآمدهای آنها که پول فقیرانه مردم را بالا کشیده اند نمی‌کنند، اما وقتی میخواهند یک چندرغاز از دزدیهایشان را تحت نام یارانه نقدی پس بدهند، مردم باید جیب و پیک خود را جلوی مقامات بریزند؟

هم شکست اقتصادی و هم سیاسی

جمهوری اسلامی با این طرح قرار بوده است کلا سوبسید کالاها را قطع کند و ریاضت اقتصادی کامل را به مردم تحمیل کند. اکنون با مرحله دوم یارانه‌ها عملاً بخش اعظم این سوبسیدها قطع شده است و قیمتها از سه سال پیش تا کنون حداقل سه برابر شده است. روشن است که وقتی قیمتها بالا میرود و قدرت خرید مردم به نصف و یک سوم کاهش می‌یابد پولش به جیب یک مشت سرمایه‌دار و تاجرو بازاری میرود. این نفع طرح یارانه‌ها برای طبقه بازاری و سرمایه‌دار است. اما این برای حکومتی که اقتصادی فلج و زمین‌گیر شده دارد زمینش میزند، راه حل نمیشود. حکومت قرار بوده است

صندوقش را پر کند. قرار بوده است حرکتی در اقتصاد ایجاد کند. قرار بوده است تولید را که به حد توقف نزدیک شده تکانی بدهد. اما هیچکدام از اینها اتفاق نیفتاده است. پرداخت یارانه نقدی قرار بوده است یک راه حل موقت باشد و به تدریج به صفر برسد. الان مانده اند چه کنند. اگر یارانه‌ها را قطع کنند با شورش مردم مواجه میشوند. اگر قطع نکنند باید از صندوق ذخیره و دزدیهایشان بزنند و خرج مردم کنند. و در عین حال پیه اعتراضات بر سر افزایش گرانی را به تن بمالند. بانک مرکزی جمهوری اسلامی اخیراً اعلام کرد که طی سال ۹۲ مصرف مردم ۲۰ درصد کاهش یافته است. میتوان تصور کرد که کاهش واقعی مصرف بیش از این بوده است. و این کاهش به معنای چه فجایع و مشقاتی برای خانواده‌های کارگری و مردم محروم میباشد. خشمی که در جامعه در اثر این فشارها و مشقات جمع شده است قابل تصور نیست.

طرح یارانه‌های هوشمند برای جمهوری اسلامی فقط یک شکست اقتصادی نیست. بلکه یک شکست سیاسی هم هست. مردم خشمگین‌تر و عاصی‌تر شده اند. زبان مردم بحق روی حکومت درازتر شده است. اعتراضات و مبارزات گسترش یافته است. شکاف درون

حکومتی‌ها افزایش یافته است. این طرح حکومتی‌ها را در برابر مردم به حالت تدافعی انداخته است. همین مدت چند ماهه صد جور حرف زدند و قول دادند و پس گرفتند. الان هم جرات نمی‌کنند بگویند بالاخره سقف درآمدی برای پرداخت یارانه نقدی چقدر است. از مردم می‌ترسند.

حتی اگر بخواهیم فقط از زاویه اقتصادی نگاه کنیم، با شکست طرح یارانه‌ها فقط عوارض بلافصل این طرح و شکست آن نیست که گریبان حکومت را می‌گیرد. مساله اینست که این طرح یک برنامه و طرح "جامع" و "کارشناسانه" (آخرین آن) برای نجات اقتصاد از گرداب فروپاشی بود. با بن بست و شکست طرح یارانه‌ها امید بهبودی در اقتصاد برای سران و کارشناسان جمهوری اسلامی باقی نماند. همه طرحها را امتحان کرده بودند و این آخرینش بود که قرار بود مدل ریاضت اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول را پیاده کنند.

در یک کلام حقیقت اساسی اینست که برای هرگونه بهبود اقتصادی باید خود حکومت و ریخت و پاشها و سیاستها و دم و دستگاه فاسدش در هم پیچیده شود. واقعیت هرروز دارد این حقیقت را به وضوح جلوی چشم همه مردم قرار میدهد.*

**به حزب کمونیست کارگری
ایران بپیوندید!**

در ضرورت سنگ اندازیهای جناح مخالف!

و ماهیت مافیائی دسته بندیهای درون حکومت است. نشانه فساد و تشتت در حکومت و نظام جنایتکار و ضد انسانی است که همه این مقامات و دارو دسته ها از اصولگران و اصلاح طلبان گرفته تا خامنه ای و رفسنجانی و روحانی و غیره، در ایجاد و برپا داشتنش سهم داشته اند و در حفظ آن از هیچ جنایتی فروگذار نمیکند! پاسداری از کیان نظام و اسلام تنها نام دیگری برای حفاظت ثروت‌های غارت شده و حسابهای بانکی میلیارد دلاری مقامات و باندهای مافیائی حاکم از هر جناح و خط است. اعدام و کشتار و ضرب و شتم زندانیان اشتباه و یا کار شکنی این یا آن جناح خاص نیست، ضرورت حفظ کل نظام غارت و چپاول جمهوری اسلامی است. حفظ کیان ثروت و قدرت ایجاب میکند که بزنند و بکشند. جناحهای حکومتی هر دعوا و اختلافی با هم داشته باشند در سرکوب و مرعوب کردن جامعه منفعت مشترکی دارند. همچنانکه منفعت مردم نیز برزیر کشیدن کل نظام جمهوری اسلامی با همه دار و دسته های و جناحهای مختلف آنست.*

حق با ولی فقیه است!

ننویسید و غیره و غیره. این اختلاف نظر بین آیت الله ها و حجت الاسلامها و مقامات حکومتی به مردم ربطی ندارد ولی تا آنجا که به نص صریح آیات و احادیث و مهمتر از آن عملکرد زن ستیزانه بیش از سه دهه حکومت همین مقامات و آیت الله ها مربوط میشود باید بگوئیم حق کاملاً با ولی فقیه است!*

طبق گزارش رسانه ها رفسنجانی در دیدار با خانواده های زندانیان بند ۳۵۰ اوین اتفاقات اخیر در زندان اوین را یک «بحران» و اقدام گروهی «خاص» نامیده که در تلاش هستند برای دولت روحانی ایجاد بحران و سنگ اندازی کنند!

این هم یکی از فواید دسته بندیهای جناحی برای جمهوری اسلامی است! برای حفظ کیان اسلامشان میزنند و میکشند و تقصیر را به گردن جناح مقابل می اندازند! در رابطه با قتل‌های زنجیره ای در دوره خاتمی نیز شاهد این نوع ادعاها بودیم. جالب اینجاست که همیشه جناحی که رئیس جمهورش از صندوق بیرون آمده و دولت را در دست دارد از خرابکاری مخالفین مینالد! ظاهراً مقامات و مسئولین اجرائی در قتلها و اعدامها (که در دوره روحانی رکورد شکسته است) و ضرب و شتم زندانیان هیچکاره اند و همه چیز زیر سر جناحی است که در راس و مسئولیت امری نیست!

این حنا دیگر برای مردم ایران رنگی ندارد! این نوع اظهارات تنها تاکید دیگری بر بهم ریختگی صفوف حکومتی ها

هفته گذشته خامنه ای بمناسبت روز فاطمه زهرا، یعنی روز تحریف و لوٹ کردن اسلامی هشت مارس، اعلام کرد که برابری زن و مرد غلط و امری مربوط به فرهنگ غربی است. بدنبال این اظهار نظر روحانی و رفسنجانی به سرعت به رفع و رجوع دسته گل به آب دادن رهبر عالیقدرشان پرداختند. گفتند که در اسلام فرودست و فرا دست نداریم و ترستان از آزادی زن را بیای اسلام

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

روز کارگر و چالش سرمایه داری اسلامیزه در ایران!

بیست و یکم در ایران امروز است. امروز اسلام در حاکمیت دیگر بیرق متحد کردن قبایل بدوی و یا کشورگشاییهای خانها و خلفا و امرای امپراتوریهای قرون وسطائی نیست، بلکه پرچم تحمیل سیاستهای ریاضت کشی بانک جهانی، مقابله با خطر شورش گرسنگان و تحمیل زندگی چند مرتبه زیر خط فقر به توده کارگران و مردم محروم جامعه است. روی دیگر سکه این واقعیت نقش و جایگاه تعیین کننده طبقه کارگر در تغییر بنیادی وضع موجود است. کلید رهائی جامعه از جهنم اسلامی سرمایه در دستان طبقه کارگر و در افقی است که طبقه کارگر در برابر جامعه قرار میدهد. افق سوسیالیسم! روز اول مه در ایران روز یاد آوری و تاکید بر این واقعیت پایه ای است.*

آپارتاید جنسی را باید عملاً در هم شکست!

تبعیض جنسیتی در جامعه است. قفس اسلامی که برای زنان ساخته اند را میتوان عملاً در زندگی هر روزه در هم شکست. خواست بر حق دانشجویان مبنی بر توقف طرح تفکیک جنسیتی وقتی موثر و کارساز خواهد بود که با اقدام عملی دانشجویان در مختلط کردن کلاسها و تجمعات دانشجویی همراه باشد. این طرح ارتجاعی را میتوان و باید عملاً متوقف کرد.*

روز جهانی کارگر روز اعتراض به نظام سرمایه داری، نظام حافظ منافع یک درصدیها و تحمیل فقر و بیحقوقی به نود و نه درصدیها در همه جای دنیا است. اما کارگران و توده مردم در ایران با یک سرمایه داری فوق ارتجاعی طرفند: سرمایه داری اسلامیزه شده؛ سرمایه داری متکی بر قوانین متحجر مذهبی، تجاوز شرعی به دختر بچه ها، تحمیل آپارتاید جنسی و توهین و تحقیر و تبعیض فاحش علیه زنان، شلاق و قصاص و اعدامهای زنجیره ای، محروم کردن جوانان از یک زندگی شاد و مدرن و امروزی، و تحمیل فقر و فلاکت و بیکاری و گرانی به اکثریت عظیم مردم. این ها ویژگیهای یک نظام عشیره ای قبیله ای عهد عتیق و یا نظام خانخانی و ارباب رعیتی قرون وسطائی نیست، ضرورت کارکرد سرمایه داری قرن

در اخبار بود که ۲۴۰۰ دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی خواستار توقف طرح تفکیک جنسیتی شدند. این خواست دانشجویان گوشه ای از اعتراض و عدم پذیرش تبعیض و تحقیر و توهین نسبت به زنان در کل جامعه است. برداشتن حجابها، مبارزه برای حضور زنان در استادیومهای ورزشی، شکستن دیوار آپارتاید در تجمعات و وسائل نقلیه عمومی و در محیط کار و تفریح، اجزای دیگر این حرکت ضد

احساس مردم و احساس رژیم!

مورد احساس فقر و گرانی و بیکاری، احساس تبعیض و آپارتاید جنسیتی و احساس ضرب و شتم و دستگیری و اعدام و شکنجه نیز باشیم. اما این نوع اظهار نظرات قبل از اینکه چیزی در مورد مردم بگوید از احساس بسیار زیاد سرنگون شدن در میان حکومتی های خبر میدهد. احساس سقوط قریب الوقوع بقدرت انقلابی مردم!*

رئیس سازمان بازرسی کل کشور اخیراً اعلام کرده است که "احساس فساد اداری بین مردم زیاد است!" احساس فساد؟! ظاهراً پس از بازرسیهای دقیق و کارشناسانه و متمدای به این نتیجه مشعشع رسیده اند! لابد باید بزودی منتظر اظهار نظر مقامات در

جنبش علیه اعدام در ایران متشکل میشود

بهرام سروش

با توجه به تصاویری که وسیعا در رسانه‌ها در ایران و جهان انعکاس یافت (نجات یافتن یک جوان محکوم به اعدام (بلال) در نور مازندران در لحظه آخر توسط پدر و مادر مقتول بود. در همین مدت کوتاه، حداقل ۱۳ مورد دیگر نجات زندانیان محکوم به اعدام از بندرعباس، نیشابور (سه نفر)، شهر کرد، بیجار، آباد، مشهد، سمنان (دو نفر)، قزوین، میاندورود و همین امروز از آمل گزارش شده است. همچنین، روز سه شنبه در زندان رجائی شهر، در حالیکه حکومت اسلامی ۵ نفر را بیرحمانه در صحن زندان بدار

با شروع کمپین نجات ریحانه جباری، دختر ۲۶ ساله ای که از ۱۹ سالگی باتهام قتل زندانی بوده است، موجی از همبستگی از سراسر ایران آغاز شد. مردم زیادی، چه فردی و چه جمعی و نهادی، با این کمپین اعلام همبستگی کردند. این موج با قدرت تمام ادامه دارد. بسیاری مستقیما خواهان لغو حکم اعدام ریحانه شدند؛ برخی دیگر، از خانواده مقتول خواستند که گذشت کنند و نگذارند فرد دیگری جانفش گرفته شود. طی هفته گذشته، اما، چند اتفاق دیگر نیز رخ داده است. تکان دهنده ترین آن (بویژه

می دارند و هر آنچه در توان دارند در آن جهت بکار می گیرند. روشن است که برای پیروزی و ریشه کن کردن اعدام و خشونت دولتی، این جنبش نمی تواند در چهارچوب قوانین قصاص و عفو و بخشش باقی بماند. برای پایان دادن به اعدام، مجازات اعدام بطور کلی باید برچیده شود. اجبار خانواده‌ها به شرکت در روند «مجازات» محکومین به اعدام، و در سایر موارد نفرت انگیز و وحشیانه قصاص، خود یک جنایت است. در عین حال، بسیاری از اعدام‌ها خارج از قوانین قصاص و مستقیما با تصمیم دولت و مقامات قضائی صورت می گیرد؛ چه اعدام فعالین سیاسی، و چه اعدام افراد باخاطر «جرائمی» که در هیچ کجای دنیا که بویی از مدنیت برده باشد جرم محسوب نمی شود.

در بیانیه ای که اخیرا حزب کمونیست کارگری در باره سیستم قضائی جمهوری اسلامی منتشر کرده است، منجمله آمده است:

این موج عمومی انزجار انسانی از خشونت و قتل دولتی زمینه ساز یک جنبش گسترده سراسری برای لغو فوری اعدام است. این بخشی از مبارزه برای انحلال کامل سیستم قضائی اسلامی است.*

ندارند. دستمزدهای چندین برابر خط فقر، حقوق های پرداخت نشده، فقر و فلاکت و دزدی ها و چپاول های هزاران میلیاردری سران حکومت، آبرویی برای جمهوری اسلامی باقی نگذاشته و حقه بازی های امثال محمد خاتمی و حسن روحانی هم سالها است اثر خود را از دست داده است. دولت اعتدال ناچار است برای بقای خود هر روز چندین نفر را اعدام کند.

انفجاری جامعه و نفرت از جمهوری اسلامی را در چشم همه مردم می بینند. اعدام های هر روزه، حمله به زندانیان سیاسی، برگزاری مانور نظامی... بخشی از تلاش برای مقابله با آتشفشانی است که هر لحظه ممکن است فوران کند.

نیروهای بسیج که از صبح پنجشنبه آغاز شده بی دلیل نیست. ماموران در مقابل پمپ بنزین ها مستقر شده و اوباش لباس شخصی و بسیج به خیابانها ریخته اند. احمد ذوالقدر جانشین فرمانده سپاه محمد در نشست خبری خود در روز سه شنبه، مانور نظامی بسیج تحت نام "الی بیت المقدس" را دفاع در مقابل "تهدیدات داخلی" دانست. در میان شاخ و شانه کشیدن ها و توصیفات سردار اسلام از نیروهای سرکوبگر، سلاح های سنگین و نیمه سنگین و تاکتیک های نظامی شان، می توان هراس و نگرانی را بوضوح دید. از شورش گرسنگان وحشت دارند. اول مه را در پیش دارند و از ابراز قدرت کارگران در هراسند. فضای

اول مه و رزمایش "الی بیت المقدس"

بهر روز مهرآبادی

از نیمه شب پنجشنبه ۴ اردیبهشت قیمت بنزین به میزان ۴۳ درصد افزایش یافت. از صبح همانروز مانور نیروهای بسیج با شرکت ۱۰ هزار نفر در سطح شهر تهران آغاز شده بود. در تمام روز صف های طولانی اتومبیلها در مقابل پمپ بنزین ها تشکیل شده بود تا بلکه بتوانند قبل از نیمه شب، بنزین را به قیمت قبلی بخرند. قیمت دلار از چند روز قبل خیز برداشته و قیمت سایر اجناس هم به استقبال از گرانی بنزین رفته و در مدت یک هفته بین ۵ تا ۱۰ درصد افزایش یافته اند.

مردم عصبانی اند و فضا متشنج است. تجربه ریختن مردم به خیابانها و آتش زدن پمپ بنزین ها در تابستان ۸۶ فراموش نشده است. مانور نظامی ده هزار نفر



دخیل بستن به جنایتکارانی چون رفسنجانی راه حل نیست

اطلاعیه شماره ۱۷۰

روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین که بستگانشان مورد ضرب و شتم جانین اسلامی قرار گرفته اند، به ملاقات رفسنجانی از بنیانگذاران حکومت اسلامی و ماشین سرکوب و جنایتش، رفتند.

رژیم اسلامی فشار بر روی فعالین و رهبران کارگری را تشدید کرده و به زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ اوین حمله برد، تا در آستانه اول مه و فضای انفجاری در محیط های کارگری و کل جامعه، مبارزات مردم را عقب زند. اما در برابر این حمله ددمنشانه، زندانیان درینند و خانواده هایشان ایستادند و موجی از اعتراض برپا شد که هنوز هم ادامه دارد و شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد را بیش از پیش به جلو آورده است.

اکنون در برابر موج اعتراضی که به پا شده است، تلاش میشود تا دولت روحانی که رکورد اعدام ها در یک دهه اخیر را دارد، از زیر حمله خانواد های زندانیان سیاسی و مردم بیرون کشیده شود، تا کل نظام را از زیر ضرب خارج سازند. کشاندن اعتراض بخشی از خانواده های زندانیان سیاسی به دنبال جنایتکارانی چون رفسنجانی و دولت روحانی تلاشی در این راستاست. در برابر این تقلاها و تلاشها باید ایستاد و طرد و افشایش کرد. باید اعلام کرد که دخیل بستن به جانیانی چون رفسنجانی که خود از بانین این حکومت و یک رکن مهم حفظ این نظامند، و یا کشاندن مبارزه خانواده های زندانیان سیاسی بدنبال کمیته "حقیقت یاب" دولت روحانی همه و همه راهکارهایی در جهت تفرقه در صفوف این مبارزات و به بیراهه بردن آن است. نتیجه آن نیز چیزی جز خریدن عمر بیشتر برای این

حکومت سرکوب و جنایت نیست.

خطابه های کثیف جنایتکاری چون رفسنجانی در سالهای ۶۰ در مورد کشتار هزاران انسان آزادیخواه تحت عنوان کفار و محارب با خدا، در اسناد جنایات رژیم اسلامی موجود است و او کسی است که به خاطر دست داشتن در سی و چند سال کشتار و جنایت رژیم اسلامی باید محاکمه شود.

در برابر این تقلاها و تلاشها که رسانه هایی چون بی بی سی و صدای آمریکا نیز همراهشان هستند، باید ایستاد و طرد و افشایشان کرد.

در ملاقات روز چهارشنبه ۳ اردیبهشت تعدادی از خانواده های زندانیان سیاسی با رفسنجانی، او به عنوان یک مهره وفادار حکومت اسلامی که از بلند شدن شعار زندانی سیاسی در جلوی اوین و در میان خانواده های زندانیان سیاسی وحشت کرده است، همه تلاشش، مبرا کردن روحانی و دولتش از این جنایت و نسبت دادن حمله ددمنشانه جانین اسلامی به بند ۳۵۰ اوین به توطئه های دستگاههای امنیتی و قوه قضاییه بود تا بلکه با این کار برای دولت تدبیر و امیدشان مفری پیدا کند.

با شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد در برابر کل این تقلاهای و این حکومت سرکوب و جنایت ایستاد.

سخن ما با همان بخش از خانواده هایی که هنوز تحت تاثیر تبلیغات دوم خردادیها و جریانات وابسته به حکومت، توهمی به امثال رفسنجانی و دولت "تدبیر و امیدشان" دارند، اینست که اگر به رهایی فرزندانمان از زندان فکر میکنیم، برای آنها نیز راهی جز فاصله گرفتن از کل این حکومت و دستگاه سرکوب و جنایتش باقی نمانده است. سخن ما با آنها اینست که دخیل بستن به

رفسنجانی و دولت با شعار "زندان شده فلسطین دولت چرا نشستی"، نیست. دولت خود بخشی از کل این سیستم و این ماشین سرکوب و جنایت است. پاسخ ما ظنین انداختن شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، در سطح جامعه و در مناسبتی چون روز جهانی کارگر است. در عین حال سخن ما با تمامی خانواده های زندانیان سیاسی و با کل مردم اینست که اجازه ندهید با کشاندن بخشی از صفوف اعتراض شما به درگاه جنایتکارانی چون رفسنجانی و روحانی در صفوف اعتراض شما تفرقه ایجاد شود. عزیزان شما زندانی همینها هستند. علیه همین ها مبارزه کرده اند. پاسخ ما مبارزه متحد برای رها شدن از شر کلیت جمهوری اسلامی و باز کردن درب زندانها و ساختن جامعه ای آزاد و انسانی است.

واقعیت اینست که حمله وحشیانه رژیم اسلامی به بند ۳۵۰ اوین و تشدید فشار بر روی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی تا همین جا هزینه سنگینی برای حکومت ایجاد کرده است. از همین رو بدنبال این اتفاق سیاسی مهم و ابعاد اجتماعی این اعتراضات آنهم از درون زندانها و کشیده شدن شعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد به خیابان، رژیم بیشتر به هراس و وحشت افتاده است. از جمله اسماعیلی رئیس کل زندانهای حکومت اسلامی با وقاحت تمام از همان ابتدا که اوضاع را پس دید کل ماجرا را تکذیب کرد. پورمحمدی یکی دیگر از جنایتکاران رژیم که خود عضوی از کمیته مرگشان در کشتار سال ۶۰ بود، از این سخن گفت که اتفاق عجیبی نیفتاده و خود زندانیان باعث درگیری مختصری شدند و تمام شد. بعد هم شو مسخره تلویزیونی صدا و سیماشان با همان اسماعیلی معلوم الحال را بر پا کردند که در آن لخبند های مصنوعی و

جنایتکارانه اسماعیلی و دروغگویی های ابلهانه شان تماما حکایت از استیصال و زبونی حکومت بود. حکومتی که بخاطر جنایتش ناگزیر به پاسخ گویی به مردم شده است. خیلی زود جناب اسماعیلی جنایتکار را مجبور شدند از ریاست زندانها برکنار کنند و جلوی رسوایی بیشتر را بگیرند. بدین ترتیب در حالیکه در همین مدت در درون نزاعهای جناحی شان دهها مدرک و سند از حمله ددمنشانه شان به زندان اوین برملا شده است همه چیز را تکذیب کردند و بعد کمی را از زبان پورمحمدی قبول کردند و بعد هم خفقان گرفتند.

مردم عاملین و آمرین حمله به بند ۳۵۰ اوین را میشناسند. کل حکومت و دستگاه قضائی و سران جمهوری اسلامی مسئول حمله وحشیانه به زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ اوین هستند و مردم از آنها پاسخ میخواهند. بسیاری از خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند و وضع عزیزانشان روشن نشود به تجمعات خود ادامه میدهند. و راه همین است نه متوسل شدن به بخشی از این جنایتکاران و تطهیر کردن آنها.

در کنار زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ و خانواده های زندانیان سیاسی بایستیم و برخواستهای فوری و اضطراری زیر تاکید کنیم:

- عاملین و آمرین حمله به بند ۳۵۰ اوین باید به مردم معرفی و مورد پیگرد قرار گیرند.
- فشار بر روی زندانیان سیاسی فوراً متوقف شود و زندانیان سیاسی ای که از بند ۳۵۰ اوین به انفرادی ۲۴۰ اوین انتقال یافته اند، فوراً به میان همبندانمان در بند ۳۵۰ بازگردانده شده و مورد درمان و مداوای پزشکی لازم قرار گیرند.
- در جریان حمله جنایتکارانه رژیم اسلامی به بند ۳۵۰،

زندانیان سیاسی خسارت مالی دیده اند و باید این خسارت به آنان پرداخت شود.

- خانواده های زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین در نگرانی بسر میبرند و باید امکان ملاقات فوری با عزیزانشان را داشته باشند.

اسامی زندانیان سیاسی ای که همچنان در انفرادی ۲۴۰ بسر میبرند، به شرح زیر است:

بهنام ابراهیم زاده، محمد امین هادوی، محمد صدیق کبودوند، محمد داوری، بهزاد عرب گل، غلامرضا خسروی، ابوالقاسم فولادوند، مهرداد آهن خواه، رضا اکبری منفرد، مجید اسدی، سعید متین پور، سهیل باپادی، سعید حایری، سکو خلقتی، رضا همیاری، محمد شجاعی،

بنا بر خبر ها بهنام ابراهیم زاده و محمد صدیق کبودوند شدت آسیب دیده اند و دست سکو خلقتی شکسته است. اینها همچنان در انفرادی هستند.

بهنام ابراهیم زاده یکی از چهره های شناخته شده کارگری است که از خرداد ۸۹ در زندان است و ۵ سال حکم دارد. بهنام یکی از زندانیان سیاسی در بند ۳۵۰ اوین است که در جریان حمله رژیم اسلامی آسیب شدیدی دیده و اجازه ملاقات با وی نیز به خانواده اش داده نشده است.

زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین و زندانیان انتقال یافته از این زندان به بند ۲۴۰ و خانواده هایشان و شاهرخ زمانی به حمایت فوری ما نیاز دارند. به هر شکلی که میتوانیم آنان را مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار دهیم. اخبار زندانهای رژیم اسلامی و اعتراضات زندانیان سیاسی و خانواده هایشان را وسیعاً پخش کنیم.

همه کارگران زندان و زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

۴ اردیبهشت ۹۳، ۲۴ آپریل ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo.com
http://freethemnow.blogspot.com

از مبارزات کارگران کارخانه آفتاب ارومیه حمایت کنیم!

بنا به خبر منتشره در ای‌لنا، کارگران کارخانه آفتاب ارومیه ۱۰ ماه حقوق معوقه از کارفرما طلب دارند. این کارفرما در حالی کارگران را با این معضل روبرو ساخته که بنا به گفته یکی از کارگران، در ماههای گذشته به بهانه حل مشکل کارخانه میلیاردها تومان تسهیلات از بانکها دریافت کرده ولی در مقابل، نه تنها حقوق معوقه کارگران را پرداخت نکرده، بلکه حتی بدهی دو میلیاردی اش به سازمان تامین اجتماعی را هم نپرداخته است و سازمان تامین اجتماعی هم به این بهانه، از دادن اعتبار به دفترچه های بیمه درمانی کارگران خودداری میکند. این خبر در کنار خبرهای دیگری همچون "۸۰ درصد از واحد های صنعتی آذربایجان غربی به دشواری

فعالیت میکنند"، "کارگران پروژه میانگذر دریاچه ارومیه ۲ الی ۴ ماه حقوق معوقه از شرکت طلب دارند" و "حقوق کارگران شهداد در ۵ ماه گذشته پرداخت نشده است" همگی نشاندهنده فلاکتی است که طبقه سرمایه دار و حکومتشان بر اکثریت کارگران در آذربایجان و سایر نقاط ایران تحمیل کرده اند.

تنها راه مبارزه با این تعرض بیشرمانه طبقه سرمایه دار و حکومت اسلامیشان به معیشت کارگران، مبارزه مداوم و هماهنگ و متکی به مجمع عمومی کارگری برای دریافت حقوقهای معوقه است. کارگران کارخانه آفتاب ارومیه و سایر محیطهای کار باید با پیگیری و تجمع در مقابل دفتر کارخانه، اداره کار استان، استانداری و بهمراهی خانواده

هایشان دست به اعتراض بزنند. تا به امروز تجربه کارگران در سایر مناطق و از جمله کارگران فولاد زاگرس، که با تجمع در مقابل اداره کار قروه و وزارت کار تهران موفق به دریافت حقوقهای معوقه شان شدند، نشان داده است که تنها راه دستیابی به حقوق کارگران مبارزه متحدانه و پیگیر است. تجربیات کارگران سایر کارخانجات در ایران، برای کارگران کارخانه آفتاب ارومیه راه نشان میدهد. فقط و فقط با اتکا به اتحاد و بویژه با اتکا به مجمع عمومی کارگران میتوان کارفرما و دولت حامی اش را به عقب نشینی واداشت و موفق به دریافت حقوقهای معوقه شد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ضمن حمایت از مبارزه برحق کارگران کارخانه آفتاب ارومیه، از کارگران

سایر مراکز کارگری میخواهد که کارگران این کارخانه را در مبارزه برای دریافت حقوق معوقه شان تنها نگذارند و از آنان حمایت کنند. شرکت در تجمعات کارگری این کارخانه، در مقابل اداره کار و دفتر کارفرما و سایر مراکز دولتی، یک روش مهم در حمایت از این کارگران است.

زنده باد مبارزات کارگران برای دریافت حقوقهای معوقه

زنده باد اتحاد و همبستگی کارگران سرنگون باد جمهوری اسلامی سرمایه داران

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ۳ اردیبهشت
۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۱

درد بر زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین و خانواده هایشان

حمله وحشیانه گاردهای زندان به زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین به سرعت در دنیا پخش شد. رژیم به خیال‌واهی خود با حمله اش به این بند میخواست جلو خیر رسانی زندانیان سیاسی را بگیرد اما نمیدانست که صدای زندانیان سیاسی توسط خانواده هایشان و مردم در سراسر دنیا با صدای رساتر پخش میشود و آزادیخواهان اجازه نمیدهند که خبر حمله به زندانیان به زندان محدود بماند. فشار بر روی رژیم به قدری بود که صدا و سیما رژیم مجبور شد که با رئیس سازمان زندانهای ایران، جلادی که با وقاحت و لبخندی ساختگی در این مصاحبه دروغهای همیشگی رژیم را تکرار میکند، مصاحبه کند. صدا و سیما حتی بخشهایی از بند ۳۵۰ را نشان میدهد که بگوید ضرب و شتمی صورت نگرفته است و این زندانیان بوده اند که به ماموران حمله کرده اند. هر چند خزعبلات رئیس زندانها شنونده را عصبانی میکند اما مجبور شدن صدا و سیما رژیم و رئیس زندانهایش به دفاع از خود و توضیح مفصل در مورد حمله به بند ۳۵۰ نشاندهنده قدرت اعتراض زندانیان

سیاسی، خانواده هایشان و مردم آزادیخواه و همبستگی سراسری است که در حمایت از زندانیان سیاسی بوجود آمده است. نگاهی به مستندی که صدا و سیما رژیم را تهیه کرده است به روشنی ضعف رژیم را در خاموش کردن صدای اعتراضات نشان میدهد. رژیمی که در دهه شصت صدها تونل ضرب و شتم برای شکنجه زندانیان درست کرد و علنا در نماز جمعه هایش میگفت این حق ماست که کافرین و مخالفان رژیم را بکشیم، اینبار در کمال عجز دارد از خودش دفاع میکند و با مصاحبه و فیلم و تبلیغات تلاش دارد به مردم بگوید ما چنین حمله ای نکرده ایم. این قدرت اعتراض و همبستگی جهانی است که رژیم را در این موضع دفاعی قرار داده است.

خانواده های زندانیان سیاسی در عکس العمل به ضرب و شتم عزیزانشان با چشمانی پر از اشک و قلبی مالا مال از خشم به یاری عزیزان زندانشان شتافتند. این خانواده ها نه با سکوت بلکه با اعلام تجمع جواب حمله رژیم را دادند. و دیروز در مقابل دفتر روحانی تجمع کردند. خانواده ها مورد حمله قرار گرفتند اما

چه بیشتر به رژیم نشان داد که این خانواده ها تنها نیستند و مورد حمایت مردم جهان قرار دارند. این خانواده ها شایسته بیشترین احترام و حمایت هستند.

ما زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ اوین و خانواده هایشان هستیم.

شیوا محبوبی

سخنگوی کمیته مبارزه برای آزادی

زندانیان سیاسی در ایران

بیست و سوم آوریل ۲۰۱۴

علیرغم آن اعلام کردند که خواهان رسیدگی به وضعیت فرزندانشان هستند و تا رسیدن به این خواست به تجمع ادامه خواهند داد.

با تمام نیرو باید از زندانیان بند ۳۵۰ و خانواده هایشان حمایت کرد. رژیم باید بداند که کوچکترین تعرض به زندانیان سیاسی و خانواده هایشان با اعتراض جهانی روبرو میشود. در تجمعات خانواده های زندانیان سیاسی باید وسیعا شرکت کرد. زندانیان مجروح باید سریعا مورد مداوا قرار بگیرند. خواست آزادی زندانی سیاسی باید هر چه وسیعتر گردد. باید هر

International Committee Against Stoning

(<http://stopstoningnow.com>)

International Committee Against Execution

(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:

Spokesperson: minaahadi@aol.com

0049-177-569-2413

تبلیغات توطئه گرانه رژیم اسلامی علیه مینا احدی و کمپین نجان ریحانه



را مستند افشا و منتشر کرد. حاصل کمپین نجات ریحانه تا همینجا یک بی آبرویی تمام عیار برای کل سیستم قضائی کثیف و جنایتکارانه حکومت و تقویت جنبش علیه اعدام در ایران و در سطح بین المللی بوده است. این کمپین باید ریحانه را از تیغ جلادان نجات دهد و به حمایت همه جانبه همه مردم شریف نیاز دارد. کمپین بین المللی علیه اعدام ۲۴ آوریل ۲۰۱۴

سکینه محمدی آشتیانی و پسرش و دو خبرنگار آلمانی اسپر را ناچار کرد در تلویزیون علیه مینا احدی حرف بزنند. بعد از آزادی دو خبرنگار آلمانی همه آن شوهای تلویزیونی در یک کتاب افشا و جمهوری اسلامی بی آبرو گردید. معلوم شد که هم مصاحبه سکینه و پسرش و هم مصاحبه خبرنگاران آلمانی همگی با تهدید و زیر فشار انجام گرفته است. خبرنگار آلمانی بعد از آزادی از زندان و برگشتن به آلمان در کتابش همه این موارد

شعبانی وکیل خانواده مقتول عنصر وزارت اطلاعات و سپس شاملو بازپرس پرونده و در نهایت تردست قاضی پرونده را یکی پس از دیگری به جلو صحنه آوردند اما دستشان بیشتر رو شد. تردست طی یک مصاحبه کثیف تلاش کرد تصویر یک دختر هرزه از ریحانه و تصویری غیر انسانی از فضای خانواده او بدهد، وکیل قبلی اش را زیر سوال ببرد و علیه مدافعین ریحانه سمپاشی کند. هر چه لجن اسلامی داشتند پرتاب کردند اما این تلاش ها بجز رسوائی برای جمهوری اسلامی و سیستم قضائی اش حاصلی ببار نیاورد و کمپین در ایران و در سطح بین المللی با قدرت به کار خود ادامه داد. رژیم قبلا همین سیاست را در جریان کمپین نجات سکینه محمدی آشتیانی بکار برد.

از جمله اقدامات حکومت اسلامی فضا سازی علیه کمپین نجات ریحانه، علیه فراخوان دهندگان این کمپین بویژه مینا احدی، فضا سازی علیه خانواده ریحانه و خود ریحانه و مدافعین این کمپین است. مینا احدی یکی از فراخوان دهندگان کمپین نجات ریحانه جاری است و رژیم ابتدا با حک کردن ایمیل او تلاش کرد محدودیتی برای این کمپین ایجاد کند. سپس با جعل و انتشار عکس برهنه ای از مینا احدی که با استفاده از فتوشاپ آنرا درست کرده اند، مینا احدی را برهنه نشان دادند تا به خیال خود مدافعین کمپین در ایران را از او دور کنند. در ادامه این توطئه ها یک ویدئو نیز علیه مینا احدی سر هم بندی کرده اند. در ادامه این تشبیهات

یک کمپین اجتماعی و بزرگ علیه اعدام و برای نجات ریحانه و یک دوجین رفتار توطئه گرانه از سر استیصال از جانب جمهوری اسلامی! یک رویارویی بزرگ بین مردم و جمهوری اسلامی و دستگاه قضائی اش در جریان این کمپین شکل گرفته است و جمهوری اسلامی هر روز بیشتر در محاصره فرو میرود. جمهوری اسلامی برای خاموش کردن شعله اعتراض جهانی علیه حکم اعدام ریحانه به هر در و دیواری زد. اکنون تومار حمایت از ریحانه نزدیک به ۱۶۰ هزار نفر رسیده است. دنیا در جریان این حرکت قرار گرفته و تشبیهات از سوی رژیم بیشتر شده است. اقداماتی که جز رسوائی بیشتر و نفرت بیشتر علیه جمهوری اسلامی چیزی به دنبال ندارد.



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

ضمیمه انترناسیونال ۵۵۳ منتشر می شود!

**گفتگو با حمید تقوایی، کاظم نیکخواه و حسن صالحی
درباره تخریب محیط زیست در ایران**